

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جاناتان کوک
برگردان: نادر ثانی
۲۷ اگست ۲۰۲۴

جاناتان کوک:

اثر انگشت ستارمر – و نه تنها محافظه‌کاران – بر سراسر شورش‌های نژادی بریتانیا قابل رؤیت است.

در بریتانیا، اسلام‌هراسی به قدری دوحزبی و عادی شده است که خبرنگاران بی.بی.سی. از خواستاران قتل‌عام مسلمانان به عنوان «معترضان طرفدار بریتانیا» یاد می‌کنند.



اگر می‌توانید چنین صحنه‌ای را تصور کنید:

- چندین روز است که اوباش وحشی در مراکز شهرهای بریتانیا تجمع کرده و با پولیس درگیر شده‌اند تا به کنیسه‌ها برسند تا به آنها حمله کنند.
- اوباش که خود را با پرچم‌های انگلستان و علائم اتحادیه پوشش داده و با چوب‌های کریکت و میله‌های فلزی مسلح شده‌اند، آجرهای دیوارهای باغی را کنده و آجرها را به همراه دارند.
- گروه‌های اوباش به خانه‌هایی که یهودیان در آن زندگی می‌کنند، حمله کرده و برای شکستن درهای آنها در تلاش هستند..
- اوباش دیگری به هتلی که محل اقامت پناهجویان یهودی می‌باشد حمله کرده و آن را به آتش کشیده‌اند، اقدامی که می‌توانست ساکنان آن را زنده‌زنده بسوزاند.
- در خلال روزهای متمادی، رسانه‌ها و سیاستمداران عمدتاً از این وقایع به عنوان "وحشی‌گری" راست افراطی یاد می‌کنند و از لزوم بازگرداندن نظم و قانون صحبت می‌کنند.

- درست در این روزها، یک جوان یهودی که نماینده مجلس نیز هست به یک برنامه تلویزیونی بزرگ صبحگاهی دعوت می‌شود تا در مورد وقایعی که در حال وقوع هستند صحبت کند. هنگامی که او استدلال می‌کند که این حملات باید به وضوح به عنوان نژادپرستانه و یهودی‌ستیزانه شناسائی شوند، یکی از مجریان برنامه به او حمله کرده و او را مسخره می‌کند.
 - در نزدیکی، دو مرد سفیدپوست نشسته‌اند. یکی از آنها وزیر سابق کابینه و دیگری مدیر اجرایی یکی از بزرگترین روزنامه‌های بریتانیا است. آنها آشکارا به او می‌خندند.
 - به تخیل خود ادامه دهیم: مجری تلویزیون که نماینده جوان مجلس را مسخره می‌کند، شوهر وزیر کشور بریتانیا که مسؤول پولیس جهت کنترل این حوادث است، می‌باشد.
- این سناریو آنقدر وحشتناک است که هیچ کس نمی‌تواند آن را حتی تصور کند. اما این دقیقاً همان چیزی است که هفته گذشته رخ داد - با این تفاوت که اوپاش یهودیان را هدف حملات خود قرار ندادند، بلکه مسلمانان هدف حملات آنان بودند. نماینده جوان یهودی نبود، بلکه او "زاره سلطانا"، برجسته‌ترین نماینده مسلمان در پارلمان بریتانیا بود. خواست او این نبود که خشونت جاری به عنوان یهودستیزی شناخته شود، بلکه از آن به عنوان اسلام‌هراسی یاد می‌کرد.
- من حدس می‌زنم که اکنون همه چیز محتمل‌تر به نظر می‌رسد. به بریتانیایی خوش آمدید که با افتخار برتن اسلام‌هراسی خود لباسی دیگر می‌کند و چنین کاری را نه تنها در خیابان‌های بولتون، بریستول یا بیرمنگام، بلکه در یک استودیوی تلویزیونی در لندن به انجام می‌رساند.

"اعتراضات طرفداران انگلستان"

اسلام‌هراسی در بریتانیای امروزی آنقدر دوحزبی است که خبرنگاران بی. بی. سی. حداقل در دو نوبت از اوپاشی که در خیابانها شعارهای ضدمسلمانان و ضدمهاجران سر می‌دهند با عنوان "معترضان طرفدار انگلستان" یاد کرده‌اند.

تمرکز اصلی اخبار شبانه، نژادپرستی ضدمسلمانان که موتور اصلی حرکت اوپاش است، یا شباهت این شورش‌ها به تهاجمات به محله‌های یهودیان، پوگروم‌ها، نبوده است. در عوض رسانه‌ها تهدیدهای فزاینده‌ای که پولیس در مقابل آن قرار می‌گیرد، ظهور راست افراطی، خشونت و بی‌نظمی و نیاز به پاسخ قاطعانه پولیس و دادگاه را برجسته کرده‌اند.

محرک شورش‌ها اطلاعاتی کاملاً نادرست بود: این که سه دختر کوچک با ضربات چاقو در ساوتپورت در ۲۹ جولای توسط یک پناهجوی مسلمان کشته شده‌اند. در واقع، قاتل مظنون در کاردیف، در بریتانیا، از پدر و مادری رواندائی به دنیا آمده و مسلمان نیست.

اما سیاستمداران و رسانه‌ها هر کدام به شکل خاص خود به شکل‌گیری اطلاعات نادرست کمک کرده‌اند. پوشش رسانه‌ئی عمدتاً به برنامه‌های نژادپرستانه آشوبگران کمک کرده و به آنها پژواک داده است. آنها جوامع مسلمان موجود در بریتانیا از سالها پیش را با نگرانی‌های عمومی در مورد مهاجرت "غیرقانونی" در هم آمیخته‌اند. گزارش‌های آنها همان‌طور که قبلاً "تروریست" و "مسلمان" را هم سان جلوه می‌دادند، حال "مهاجر" و "مسلمان"

را به یک معنی تبدیل کرده است. دلیل این امر تقریباً یکسان است. با انجام این کار، سیاستمداران و رسانه‌ها بار دیگر توپ بازی را به دستان اوباش راست افراطی که ظاهراً آنها را محکوم می‌کنند، داده‌اند. یا اگر جریان را به شکلی دیگری ببینیم: اوباش توپ بازی را به دست رسانه‌ها و سیاستمدارانی داده‌اند که ادعا می‌کنند خواهان برقراری آرامش هستند و در عین حال به ایجاد تشنج ادامه می‌دهند. به جوانان مسلمانی که برای دفاع از خانه‌های خود، در حالی که پولیس برای مقابله با این یورش تلاش می‌کرد، آماده شده بودند برچسب "ضد معترضان" زده شد. انگار که ماجرا صرفاً یک درگیری بین دو گروه با نارضایتی‌های متناقض بود که پولیس - و دولت بریتانیا - به شکلی بیطرفانه در وسط قرار گرفته بودند. یک بار دیگر توجه کنید: آیا می‌توانیم تصور کنیم که جنایتکارانی پر از نفرت و خشم که در راه سوزاندن زنده‌زنده یهودیان تلاش می‌کنند، به عنوان "معارض" توصیف شوند، چه رسد به "طرفدار انگلستان؟" هیچ کدام از اینها خلق‌الساعه نیستند. سال‌هاست که روحیه ضدمسلمانان کنونی توسط هر دو جناح سیاسی در بریتانیا تبلیغ می‌شود.

قدرتمندان بریتانیا تمامی انگیزه‌ها را دارند که خشم عمومی بر سر مسائل اقتصادی - مانند کمبود شغل و مسکن، فروپاشی خدمات و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی - را بر روی بزهای قربانی مانند مهاجران، پناهجویان و مسلمانان هدایت کند.

اگر آنها این کار را نمی‌کردند، تشخیص اینکه چه کسانی مقصران واقعی هستند برای مردم بسیار آسان‌تر بود - آنها تشکیل‌دهنده نهادی هستند که سیاست‌دادن ریاضتی بی‌پایان به توده‌ها و در عین حال به غارت بردن ثروتهای مشترک را به پیش می‌برد.

"رابطه‌ای مملو از توهین"

دعوا علیه حق براحتی ساخته می‌شود. سعیده وارثی، عضو حزب محافظه‌کار و وزیر سابق کابینه، بیش از یک دهه است که هشدار می‌دهد که حزب او مملو از متعصبان متنفر از مسلمانان - هم در میان اعضای معمولی و هم در میان مقامات ارشد حزب - است. او در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد:

"در حال حاضر احساس می‌کنم در رابطه‌ای توهین‌آمیز قرار دارم. برای من دیگر درست نیست که در کنار حزب محافظه‌کار باشم".

چندی پیش یک نظرسنجی عمومی نشان داد که بیش از نیمی از اعضای حزب محافظه‌کار معتقدند اسلام تهدیدی برای آنچه "شیوه زندگی بریتانیایی" نامیده می‌شود، می‌باشد. این رقم بسیار بالاتر از نظر موجود در عموم مردم است. چنین نژادپرستی از بالا تا پایین در این حزب گسترش یافته است.

بوریس جانسون که رمان "هفتاد و دو باکره" او زنان مسلمان محجبه را با صندوق‌های نامه مقایسه می‌کند، در انتخابات نخست‌وزیری‌اش مورد تأیید چهره‌های راست افراطی مانند تامی رابینسون قرار گرفت که موج کنونی شورش‌ها را از مخفیگاه خود در قیرس دامن می‌زند.

سعیده وارثی به ویژه از مایکل گوو، یکی از بازیگران کلیدی در دولت‌های متوالی محافظه‌کار انتقاد کرد. او گفت: "من فکر می‌کنم دیدگاه مایکل این است که چیزی به نام مسلمان غیرمشکل‌زا وجود ندارد".

این ممکن است توضیح دهد که چرا حزب محافظه‌کار مکرراً از پرداختن به اسلام‌هراسی ثابت شده و شایع در میان صفوف خود امتناع کرده است. برای مثال، مقامات این حزب بی‌سر و صدا پانزده عضو شورای حزب را که به

دلیل اظهار نظرهای افراطی اسلام‌هراسانه از مقام خود تعلیق شده بودند، پس از فروکش کردن خشم دو باره به کار بازگردانند.

حتی زمانی که رهبری حزب در نهایت خود را ناچار به موافقت با یک تحقیق مستقل در مورد تعصبات ضد مسلمانان دید، این تحقیق مشخص به سرعت از بین رفت و به یک "تحقیق عمومی در مورد تعصبات از همه نوع" تبدیل شد.

سیلی در بریتانیا جاریست.

در ماه فیروزی ۲۰۲۴، اندکی پس از کناره‌گیری لی اندرسون از سمت معاونت دبیرکلی حزب محافظه‌کار، او اعلام کرد که "اسلام‌گرایان" صادق خان، شهردار لندن را تحت "کنترول" خود دارند. اندرسون افزود، شهردار، "پایتخت ما را به رفقایش داده است".

عضویت او در گروه پارلمانی محافظه‌کاران به دلیل امتناع از عذرخواهی در مورد گفته‌اش تعلیق شد. اما حتی در آن زمان، رهبران حزب محافظه‌کار، از جمله نخست وزیر وقت، ریشی سوناک، و معاون او، الیور داوون، از برچسب زدن اظهارات اندرسون به عنوان نژادپرستانه یا اسلام‌هراسانه امتناع کردند. داوون تنها گفت که اندرسون از "کلمات اشتباه" استفاده کرده است.

سوناک لفاظی‌های تحریک‌آمیز و پر از نفرت اندرسون را بکلی نادیده گرفت و در عوض خشم عمومی را به سمت راهپیمایی‌ها علیه کشتار فلسطینی‌ها توسط اسرائیل در غزه - یا آنچه او به عنوان یک "انفجار در تعصب و یهودستیزی" توصیف کرد - سوق داد.

مدت کوتاهی پس از این اندرسون بزودی به حزب ضد‌مهاجر و خشونت‌گرای نایجل فاراژ پیوست.

سولا براورمن، وزیر کشور سابق، به همین ترتیب اعلام کرد:

"حقیقت این است که اسلام‌گرایان، افراطی‌ها و یهودی‌ستیزان اکنون در رأس امور هستند".

رسانه‌های راست‌گرا، از جی‌بی‌نیوز تا دیلی میل، مرتباً چنین احساساتی را تکرار می‌کنند و مهاجران را - که همیشه به طور ضمنی مسلمان هستند - به عنوان "انبوهی" معرفی می‌کنند که چون سیلی مرزهای بریتانیا را درنوردیده و مشاغل و مسکن را از بین می‌برند.

حتی نهادی که مسؤول شناسایی و حمایت از اقلیت‌های قومی است، در مورد شناسایی اسلام‌هراسی استثنائی بسیار آشکاری به وجود آورده است.

"کمسیون برابری و حقوق بشر" بسیار مشتاق تحقیق دربارهٔ مناسبات درون حزب کارگر در مورد آنچه که معلوم شد تا حد زیادی ادعاهای بدون پایه‌ای در مورد یهودی‌ستیزی علیه اعضای آن بوده، بود.

اما همان نهاد به‌رغم دریافت پرونده‌ای از "شورای مسلمانان بریتانیا" که حاوی اتهاماتی مستند در رابطه با اسلام‌هراسی از طرف ۳۰۰ شخصیت در حزب محافظه‌کار است، قاطعانه از انجام تحقیقات مشابه در این مورد در این حزب خودداری کرده است.

قایق‌ها را متوقف کنید

نخست وزیر حزب کارگر، کیر ستارمر، اکنون با تشکیل یک "ارتش ثابت" از جوخه‌های پولیس ضدشورش و فشار برای صدور احکام سریع و سخت، سرکوب خشونت‌آمیز راست افراطی را رهبری می‌کند.

حامیان او موفقیت او را در اولین آزمون مهم او به عنوان نخست‌وزیر در هفته گذشته، زمانی که شورش‌های مورد انتظار چهارشنبه گذشته محقق نشد، جار زده‌اند.

اما از زمانی که ستارمر چهار سال پیش رهبر حزب کارگر شد، نقش مستقیمی در دامن زدن به آب و هوای ضد مسلمانان نیز ایفا کرد، جوی که راست افراطی را تشویق کرد به خیابان‌ها کشیده شوند.

ستارمر در جریان مبارزات انتخاباتی خود برای رسیدن به مقام نخست‌وزیری، تصمیم آگاهانه‌ای گرفت که در حرکت سیاسی خود در زمینه‌هایی، از "مهاجرت غیرقانونی" تا میهن‌پرستی و قانون و نظم، با نمایندگان محافظه‌کاران رقابت کند.

این شیوه حرکت سیاسی توسط گردانندگان سیاست خارجی حزب کارگر جدید ۲۰ سال پیش شکل گرفت و پیامدهای داخلی گسترده‌ای داشت و به مسلمانان بریتانیایی به عنوان غیرانگلیسی، بی‌وفا و مستعد تروریسم انگ زد.

در همکاری وسیع خود با ایالات متحده، دولت کارگر تونی بلر در سال ۲۰۰۳ جنگی وحشیانه و غیرقانونی را علیه عراق به راه انداخت که در آن بیش از یک میلیون عراقی کشته شده و میلیون‌ها بی‌خانمان برجای گذاشته شدند. تعداد بیشتری نیز برای شکنجه به مکان‌هایی نامشخص کشانده شدند.

همراه با اشغال خسونت‌آمیز و طولانی‌مدت افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، تهاجم به عراق باعث پیدایش هرج و مرج منطقه‌ای شده و اشکال جدید ستیز مجوی اسلام‌گرا، به ویژه در قالب گروه داعش را پدید آورد.

جنگ صلیبی وحشیانه تونی بلر در خاورمیانه - که اغلب توسط او به عنوان "برخورد تمدن‌ها" توصیف می‌شد - مسلماً بسیاری از مسلمانان بریتانیا را از خود بیگانه کرده و تعداد کمی از آنها را به سمت رادیکالیزه شدن جهت می‌دهد.

در پاسخ، حزب کارگر به اصطلاح ستراتیژی "پیشگیری" را معرفی کرد که به طرز بدبینانه‌ای بر تهدیدی از جانب مسلمانان متمرکز بود و یک بدبینی کاملاً قابل‌توضیح در مورد سیاست خارجی بریتانیا را با یک گرایش ظاهراً غیرقابل توضیح و ذاتاً خسونت‌آمیز در اسلام در هم آمیخت.

ستارمر رهبری خود را از بلر الگو برداری کرد و بسیاری از مشاوران مشابه را به خدمت گرفت.

در نتیجه، او به زودی در تلاش برای به دست آوردن رأی موسوم به دیوار قرمز کاملاً مجذوب سیاست محافظه‌کاران شد. از دست دادن مناطق شهری شمال انگلیس در انتخابات عمومی ۲۰۱۹ به حزب محافظه‌کار تا حد زیادی به دلیل موضع توهم زای حزب کارگر در مورد حرکت برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) بود که ستارمر مسؤول اصلی آن بود.

ستارمر قاطعانه در مورد مهاجرت به سمت راست حرکت می‌کرد و در این راه سیاست حزب محافظه‌کار را که در تلاش برای جلوگیری از شورش انتخاباتی حزب اصلاحات فراز، حتی بیشتر به راست منحرف شده بود، دنبال می‌کرد.

ستارمر به عنوان رهبر اپوزیسیون، سخنان محافظه‌کاران را زمانی که آنان مدام از "توقف قایق‌های کوچک" و "درهم شکستن باندهای قاچاق" می‌گفتند، تکرار می‌کرد. آنچه که در لابه لای سخنان می‌شد دید این بود که مهاجران و پناهجویانی که از مشکلاتی که بریتانیا در خاورمیانه به وجود آورده بود می‌گریختند، تهدیدی برای "شیوه زندگی" بریتانیایی بودند. این برداشت تازه‌ای از گفتمان "برخورد تمدن‌ها" بود که بلر از آن دفاع می‌کرد.

چند روز قبل از رأی‌گیری در انتخابات عمومی ماه گذشته، ستارمر یک مورد فراتر رفت و گفته‌ای نژادپرستانه را که معمولاً با محافظه‌کاران مرتبط است، تبلیغ کرد.

رهبر حزب کارگر، جامعه بنگله دیشی بریتانیا را به عنوان جامعه‌ای که او با آن در اجرای اخراج‌ها قاطعانه‌تر عمل خواهد کرد، نام برد. او در نشریه‌ای که از جانب روزنامه "سان" به چاپ رسید گفت: "در حال حاضر حکم اخراج افرادی که از کشورهایی مانند بنگله دیش می‌آیند به اجراء در نمی‌آید".

جنگ با جناح چپ

اما دلیل دیگری، حتی بدبینانه‌تر، وجود داشت که چرا ستارمر سیاست‌های نژادی و فرقه‌ی را در مرکز مبارزات انتخاباتی خود قرار داد. او نه تنها به دنبال به دست آوردن آرای محافظه‌کاران بود، بلکه می‌خواست جناح چپ حزب کارگر و برنامه سیاسی آن را نیز در هم بکوبد.

در خلال دهه‌ها، جرمی کوربین، سلف ستارمر، به خاطر سیاست‌های ضدنژادپرستانه و حمایتش از مبارزات ضداستعماری مانند مبارزات فلسطینی‌ها توسط چپ کارگر مورد تحسین قرار گرفته – و توسط راست کارگر مورد تحقیر قرار گرفته بود.

کوربین به خاطر مشکلاتی که داشت به هر شکل ممکن توسط تشکیلات سیاسی و رسانه‌ی بریتانیا مورد هجوم قرار گرفت. اما اتهام یهودی‌ستیزی – و آمیختگی آن با هر چیزی فراتر از ملایم‌ترین انتقاد از اسرائیل – بود که نشانگر کاری‌ترین حمله شد.

همان کمیسیون برابری که قاطعانه از تحقیق و تفحص از محافظه‌کاران در مورد اسلام‌هراسی امتناع کرد، عجله کرد تا افشاگری‌های حزب کارگر کوربین را به‌عنوان یهودی‌ستیزانه سازمان‌داده‌شده تقویت کند. در این مورد این نهاد برای به دست آوردن و ارائه هر مدرکی تلاش می‌کرد.

در مورد ستارمر که به هر جانب که مناسب باشد می‌چرخد، تشخیص داشتن اعتقادات سیاسی دشوار است. اما واضح است که او قرار نبود با سرنوشت کوربین روبه‌رو شود. چپ‌گرایان حزب، از جمله کوربین، و همچنین هر چیزی که از دستور کار چپ استفاده می‌کرد به سرعت پاکسازی شدند.

ستارمر تبدیل به یک مبلغ خشمگین ناتو و جنگ‌های آن شده و به طرفداری از اسرائیل - حتی پس از ۷ اکتوبر، زمانی که اسرائیل راه رسیدن غذا و آب را بر ۲.۳ میلیون نفر از مردم غزه بست (چیزی که عالی‌ترین دادگاه جهان به زودی آن را "احتمالاً" نسل‌کشی خواهد خواند) برخاست.

در آن زمان بود که جنگ ستارمر با جناح چپ حزب و سیاست‌های آن به پیشرفت مطلوب رسیده بود.

"تهدید"ی که خاموش شد

ماهیت حمله جناحی در اپریل ۲۰۲۰، مدت کوتاهی پس از این که ستارمر کنترل حزب کارگر را به دست گرفت و زمانی که یک گزارش شرم آور داخلی به بیرون درز کرد، کاملاً مشخص شده بود.

از جمله مشخص شد که چگونه، در دوران رهبری کوربین، جناح راست حزب کارگر با هدف آسیب رساندن به او و حمایتش از یهودی‌ستیزی به عنوان سلاح انتخابی علیه او استفاده کرده‌اند.

از آنجائی که هنوز ستارمر رهبری خود را مستحکم نمی‌دید و تلاش می‌کرد که جلو شورش داخلی بر سر افشاگری‌ها را بگیرد، "مارتین فورد کی‌سی" را منصوب کرد تا بررسی مستقلی درباره افشاگری انجام دهد.

پس از تأخیرهای طولانی که عمدتاً ناشی از موانعی بود که مقامات حزبی ایجاد کرده بودند، فوراً یافته‌های خود را در تابستان ۲۰۲۲ منتشر کرد. او آنچه را "سلسله مراتبی از نژادپرستی" می‌نامید، شناسایی کرد که در آن راست‌های حزب کارگر از یهودستیزی علیه چپ‌ها و از جمله اعضای سیاه‌پوست و آسیائی آن، استفاده کرده بودند. شاید تعجب‌آور نباشد که اعضای حزب کارگر که به اقلیت‌های قومی تمایل دارند در زمینه‌های سیاسی، به ویژه در مخالفت شدید آنها با نژادپرستی و ستم استعماری چندین دهه بر فلسطینیان، اشتراک بیشتری با کوربین و چپ‌های حزب کارگر دارند این امر از سوی جناح راست کارگر و ستارمر به عنوان یک تهدید تلقی می‌شد - تهدیدی که آنها مصمم بودند آن را خفه کنند.

مستندی از رسانه الجزیره که در سپتامبر ۲۰۲۲ پخش شد، با تکیه بر اسنادی بیشتر از آنچه فوراً موفق به دستیابی به آنها شده بود، اسلام‌هراسی بین مقامات ستارمر و جناح راست حزب کارگر را به نمایش گذاشت. در این مستند یکی از قربانیان پاکسازی‌های جناح چپ توسط ستارمر، رویدادهای سال‌های اخیر در درون حزب کارگر را به عنوان "توطئه جنایتکارانه علیه اعضای آن" توصیف کرد. تحقیقات رسانه الجزیره نشان داد که اعضای مسلمان حزب، از جمله اعضای شورای محلی آن، بشدت در تیررس جناح راست کارگر بوده‌اند.

مشخص شد که مقامات حزب در پنهان کردن حرکات غیرقانونی، نظارت مخفیانه اعضای حزب و جمع‌آوری اطلاعات درباره اعضای مسلمان حزب تباری کرده‌اند تا مقدمه‌ای برای تعلیق کل حوزه انتخاباتی نیوهام لندن باشد. دلیل آن بوده که نگرانی‌هایی وجود داشت که جامعه محلی آسیائی حزب در این حوزه قدرت بگیرند. کارکنان اقلیت‌های قومی در دفتر مرکزی حزب کارگری که در مورد این اقدامات تبعیض‌آمیز شکایت داشتند، از مشاغل خود اخراج شدند.

پاکسازی‌ها

حزب کارگر به پاکسازی‌های مشهود خود تا انتخابات عمومی جولای ادامه داد و نامزدهای چپ‌گرا، سیاه‌پوست و مسلمان را در آخرین لحظه پائین کشیده و حذف کرد، بنابراین زمانی برای زیر سؤال بردن این تصمیم وجود نخواهد داشت.

بالاترین قربانی "فایزه شاهین"، اقتصاددانی بود که قبلاً به عنوان کاندیدای پارلمانی برای "چینگفورد" و "وودفورد گرین" انتخاب شده بود که به طور علنی و بدون تشریفات کنار گذاشته شد. ستارمر در پاسخ به پرسشی درباره این تصمیم گفت که او فقط "نامزدهای با کیفیت بالا" را می‌خواهد.

کمپین مشابهی برای تحقیر و تضعیف "دایان ابوت"، اولین زن سیاه‌پوست نماینده مجلس و متحد کوربین، هفته‌ها به طول انجامید تا این که با عدم تمایل حزب به نفع او حل و فصل شد.

بار دیگر تلقین بسختی پوشیده این بود که نمی‌توان به نامزدهای مسلمان و سیاه‌پوست اعتماد کرد و به آنها مشکوک بود.

قابل توجه است که بعداً مشخص شد که مقامات ستارمر پس از صحبت با الجزیره در مورد نژادپرستی در حزب، نامه قانونی تهدیدآمیز را برای فوراً ارسال کرده‌اند. فوراً به این نتیجه رسید که این یک تلاش پنهانی برای "ساکت" کردن او می‌باشد.

اندکی پس از به دست آوردن اکثریت قاطع پارلمانی در یکی از کمترین آرای حزب کارگر، ستارمر عملاً تعدادی از نمایندگان چپ‌گرا را از حزب پارلمانی معلق کرد - همانطور که قبلاً با کوربین انجام داده بود. جرم آنها رأی دادن به پایان دادن به فقر کودکان بود.

قابل مشاهده ترین زاره سلطانا، نمایندهٔ مسلمان جوانی بود که در صبح به خیر بریتانیا به دلیل استدلال مبنی بر این که شورش‌ها باید به عنوان اسلام هراسی شناخته شوند، سنگر گرفته و مورد تمسخر قرار گرفته بود.

درهم ریختگی خطرناک

اگرچه به طور گسترده ای درک شده است که ستارمر مصمم به سرکوب چپ کارگر بود، پیامدهای اجتناب ناپذیر آن سیاست - به ویژه در رابطه با بخش بزرگی از جمعیت مسلمان بریتانیا - به مراتب کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از راه‌هایی که ستارمر از کوربین و چپ‌ها فاصله گرفت، تکرار اسرائیل و راست‌های بریتانیا در بازتعریف ضد صهیونیسم به عنوان یهودستیزی بود. یعنی او کسانی را که همان دیدگاه قضات دادگاه جهانی را دارند که اسرائیل یک دولت آپارتایدی است و بر اساس قومیت فلسطینیان حقوق نازلتری قائل شده است، لکه دار کرده است. او همچنین کسانی را که معتقدند کشتار اسرائیل در غزه نقطهٔ پایانی منطقی برای یک دولت نژادپرست آپارتایدی است که تمایلی به صلح با فلسطینی‌ها ندارد، سرزنش کرده است.

دو گروه به طور خاص، تمام قدرت این ترکیب مخالفت با جنایات اسرائیل علیه فلسطینیان - یعنی ضد صهیونیسم - و یهودستیزی را احساس کرده اند.

یکی یهودیان چپ کارگری هستند. حزب سخت کوشیده است که وجود آنها را از دید عموم پنهان کند، زیرا آنها نیز آشکارا روایت یهودی ستیزی آن را مختل می‌کنند. به تناسب، بزرگترین گروه اخراج شده و تعلیق شده از حزب کارگر، یهودیان منتقد اسرائیل بوده اند.

اما به عکس و حتی خطرناکتر، ستارمر به‌طور مشهودی در مورد مسلمانان، با توجه به این که آنها پُرسروصداترین و متحدترین جامعه در مخالفت با نسل‌کشی "معقول" اسرائیل در غزه هستند، به شکلی یهودی‌ستیزانه عمل کرده است.

محکوم کردن ضدصهیونیست‌ها توسط ستارمر به‌عنوان یهودی‌ستیزی - چه عمداً یا نه - به آسانی کاریکاتور سمی را تقویت کرده است که محافظه‌کاران اسلام را به‌عنوان دین ذاتاً نفرت‌انگیز و خشونت‌آمیز تبلیغ می‌کنند.

جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه غزه در ۱۰ ماه گذشته - و واکنش‌های شدید میلیون‌ها بریتانیایی به این کشتار - مشکل ستارمر را به شدت افزایش داده است.

رهبر حزب کارگر ممکن است از لفاظی‌های آتش‌زای "براورمن" که اعتراضات توده‌ای و مسالمت‌آمیز علیه کشتار را به عنوان "راهپیمایی‌های نفرت" محکوم کرد، اجتناب کرده باشد، اما به طرز ماهرانه‌ای او برافروختن چنین احساساتی را تکرار کرده است.

او در رد ضدنژادپرستی و ضداستعماری چپ، باید منافع یک دولت خارجی نسل‌کش، اسرائیل، را بر نگرانی‌های منتقدان اسرائیل اولویت می‌داد و برای این که موضع خود را کمتر تحقیرآمیز جلوه دهد، مانند محافظه‌کاران تمایل داشت ترکیب نژادی متنوع مخالفان کشتار را نادیده بگیرد.

تست وفاداری

هدف تلاش ستارمر برای بی‌اعتبار کردن راهپیمائی‌ها با پنهان کردن این حقیقت بوده که آنها از حمایت چندنژادی برخوردار بوده، این که آنها صلح‌آمیز بوده، بسیاری از یهودیان در آنها نقش برجسته‌ای داشته و پیام آنها علیه نسل‌کشی و آپارتاید و به نفع آتش‌بس بوده است.

در عوض، رویکرد ستارمر القاء می‌کند که تندروهای مسلمان بریتانیایی ماهیت اعتراضات را از طریق شعارها و رفتارهایی شکل می‌دهند که احتمالاً یهودیان را ترسانده است.

رهبر حزب کارگر ادعا کرده که "راهپیمائی نفرت را در کنار فراخوان‌های صلح می‌بیند، افرادی که از یهودیان متنفرند در پشت افرادی که از آرمان عادلانه کشور فلسطین حمایت می‌کنند، پنهان شده‌اند".

این یک نسخه حقوقی و رمزگذاری‌شده از "لندنستان" راست نژادپرست است - تصرف فرضی پایتخت انگلیس توسط مسلمانان - حتی از سوی مشاوران دولت - مبنی بر این که راهپیمائی‌های هفتگی در همبستگی با رنج غزه در حال تبدیل شهرهای بریتانیا به "مناطق ممنوعه" برای یهودیان می‌باشد.

سخنان ستارمر - چه آگاهانه یا نه - به ادعای واهی جناح راست نژادپرست مبنی بر "پولیس دولایه" که در آن گویا پولیس ظاهراً آنقدر می‌ترسد که جامعه مسلمان را درگیر کند که راست افراطی باید کار آنها را خود انجام دهد، جان بخشیده است.

واقعیت این "پولیس دومرحله‌ای" در ماه گذشته، زمانی که ویدیویی نشان داد که یک افسر پولیس پس از یک جنجال در فرودگاه منچستر بر سر یک مرد مسلمان بی‌تحرك و بی‌تفاوت ضربه می‌زند، بسیار قابل مشاهده بود. نشان داده شد که برادر این مرد در حالی که دستانش پشت سرش بود مورد آزار و اذیت قرار گرفته است و مادر بزرگ آنها نیز گزارش می‌دهد که بر سر او نیز چنین رفته است.

همانند محافظه‌کاران، حمایت بی‌دریغ ستارمر از اسرائیل از ۷ اکتوبر - و نظرات او در مورد اعتراضات علیه کشتار به عنوان تهدیدی برای جوامع یهودی - یک آزمون وفاداری ضمنی و اعلام‌نشده ایجاد کرده است. آزمونی که اکثر یهودیان بریتانیا را میهن‌پرست فرض کرده و همزمان نسبت به مسلمانان بریتانیا بدگمان می‌شود که باید ثابت کنند افراط‌گرا یا تروریست بالقوه نیستند.

به نظر می‌رسد هر دو طرف اصلی معتقد هستند که برای یهودیان بریتانیا خوب است که هم‌مذهبان خود در اسرائیل را در حالی که ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را در غزه بمباران کرده و آنها را از گرسنگی می‌کشد - و حتی امکان آن را داشته باشند که برخی به خاورمیانه رفته و مستقیماً در کشتار جاری شرکت کنند - حمایت کنند.

اما این دو حزب همچنین القاء می‌کنند که ممکن است مسلمانانی که همبستگی خود با هم‌مذهبی‌های خود در غزه را، که توسط اسرائیل قصابی می‌شوند، نشان می‌دهند یا با دهه‌ها اشغال و محاصره جنگ‌جویانه اسرائیل که بالاترین دادگاه جهان اعلام کرده غیرقانونی هستند مخالفت می‌کنند نسبت به بریتانیا بی‌وفا باشند.

به عبارت دیگر، ستارمر به طور ضمنی منطقی را تأیید کرده که اهتزاز پرچم فلسطین در تظاهرات را خطرناک دانسته و با ارزش‌های بریتانیا بیگانه ارزیابی می‌کند. همزمان سلاح‌های بریتانیایی برای ارتکاب قتل‌عام، برای کشتار غیرنظامیان ارسال می‌شوند.

بازپس‌گیری خیابان‌ها

نشانه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهد فرصه‌گیری ستارمر از بخش‌های بزرگی از جامعه مسلمان - با بیان "افراطی‌گری" آنها - ممکن است عمدی بوده و برای تحت تأثیر قرار دادن رأی‌دهندگان جناح راست طراحی شده باشد.

یک "منبع ارشد حزب کارگر" به خبرنگاران گفته است که این حزب از استعفای ده‌ها عضو شورای کارگری به دلیل اظهارات ستارمر در حمایت از اسرائیل که جمعیت غزه را گرسنه نگه داشته است، استقبال کرده است. این منبع گفته که این حزب "در حال تکان دادن کک‌ها" بوده است.

روایت مرتب‌تی توسط وفاداران ستارمر ارائه شده که در انتخابات عمومی ماه گذشته از امکانات انتخاب مستقل‌های چپ‌گرا، از جمله کوربین، که در یک پلتفرم برای توقف کشتار غزه شرکت می‌کردند جلوگیری شده است.

"جاناتان اشورث"، که کرسی خود در لستر ساوت را به "شوکت آدام" در انتخابات سراسری جولای از دست داد، حامیان رقیب مسلمان خود را متهم کرد که از هنجارهای دموکراتیک - از طریق آنچه اشورث آن را "سرطان"، "قلدری" و "ارباب" نامید - پیروی نمی‌کنند. هیچ مدرکی برای ادعای او ارائه نشده است.

پرچم‌های فلسطین در چیزی که سیاستمداران و رسانه‌ها آن را "ضد تظاهرات" می‌نامند بسیار قابل مشاهده است - ضد فاشیست‌ها مانند چهارشنبه گذشته خیابان‌ها را از راست افراطی پس گرفتند.

جناح راست حزب کارگر، که مانند ستارمر مشتاق محو چپ از سیاست بریتانیا است، اصرار داشت که ضد نژادپرستان در خانه بمانند تا به پولیس اجازه دهند با شورشیان نژادپرست برخورد کند. اما دقیقاً به این دلیل است که چپ ضد نژادپرست از طریق یک کمپین لکه‌دار دوحزبی - که این چپ را افراطی، یهودستیزانه، غیرانگلیسی و خائن نشان می‌دهد - مجبور به عقب‌نشینی شده و در این شرایط جناح راست نژادپرست جسارت یافته نشان دهد چه کسی مسوول بروز حوادث جاری است.

ستارمر اکنون مصمم است تا با استفاده از پولیس و دادگاه، آن جن را که به قدرت‌گیری او کمک کرد، با زوری وحشیانه به بطری بازگرداند.

با توجه به کمپین ستارمر برای تهمت‌زدن به چپ‌ها و پاکسازی‌های اقتدارگرایانه در حزب کارگر، دلایلی برای این ترس وجود دارد که دولت جدید او بیش از پیش بتواند دستی سنگین را علیه به اصطلاح "ضد تظاهرات‌کنندگان"، هر چند صلح‌آمیز، به کار گیرد.

رهبر حزب کارگر معتقد است که او با تهمت‌زدن به چپ ضد نژادپرست، با راندن آن به سایه و با له کردن آن به قدرت رسیده است.

ستارمر اکنون، به عنوان نخست وزیر، ممکن است تصمیم بگیرد که زمان اجرای همان برنامه در سراسر کشور فرا رسیده است.

۱۳ اگست ۲۰۲۴، برابر با ۲۳ مردادماه - اسد - ۱۴۰۳

<https://jonathancook.substack.com/p/starmers-fingerprints-not-just-the>